

تبیین مؤلفه‌های فضاهای اجتماعی در بافت‌های تاریخی (نمونه موردی مجموعه زندگی و شاهچراغ و محله سنگ سیاه شیراز)

چکیده

باتوجه به نیاز ذاتی انسان به زندگی اجتماعی و ضروری بودن آن، داشتن فضاهای جمعی مطلوب هماهنگ با فرهنگ و تاریخ یک بستر امری ضروری است. کیفیت نازل بسیاری از محیط‌های شهری معاصر و فقدان توجه به کیفیت کلی، حاصل عمل فرآیندهایی که محیط را به وجود آورده‌اند و نیروهایی است که در این فرآیندها عمل می‌کنند. ادبیات حاکم بر مطالعات انسان و محیط نشان می‌دهد مطالعه فضای کالبدی مستلزم ملاحظه فعالیت‌ها در آن است. مقصود از «بافت تاریخی» در کشور ما، بافت‌های شهری متعلق به دوره‌های ماقبل معاصر است که به لحاظ تاریخی و زمان پیدایش، متعلق به دوران قاجاریه و پیش از آن بوده منتهی می‌شوند. در بافت‌های تاریخی عناصری اصلی است که به خاطر وزن اجتماعی-اقتصادی آن‌ها و طریقه خاص ارتباطشان با دیگر واحدهای معماری-شهری، به عنوان عناصر اصلی شناخته شده‌اند، عبارت‌اند از: مسجد جامع، محله مسکونی و بازار. در این پژوهش سه مکان تاریخی - اجتماعی که از عناصر اصلی بافت تاریخی شیراز است مورد بررسی قرار گرفته است. روش تحقیق به صورت توصیفی و تحلیلی و با تکنیک پیمایشی به صورت پرسش‌نامه اجتماعی است. «مؤلفه اجتماعی» شامل تعاملات خودسازمان یافته چون برگزاری مراسم‌ها متناسب با مناسبات و رویدادهای فرهنگی و اجتماعی و مذهبی بالاترین امتیاز را کسب کرد و در رتبه‌های بعدی مؤلفه‌های ادراکی، فعالیت و کالبدی قرار گرفتند.

اهداف پژوهش:

۱. شناخت مفاهیم اجتماع‌پذیری و ریشه‌های تاریخی و فرهنگی آن‌ها در بافت قدیم شیراز.
۲. ارائه راه‌کارهایی مناسب برای محافظت از بافت تاریخی شهر شیراز.

سؤالات پژوهش:

۱. مؤلفه‌های فضاهای اجتماعی در بافت‌های تاریخی شیراز چیست؟
۲. چه راه‌کارهایی برای محافظت از بافت‌های تاریخی شیراز و فضاهای اجتماعی آن وجود دارد؟

کلیدواژه‌ها: فضای اجتماعی، مؤلفه‌های اجتماعی، اجتماع‌پذیری، بافت تاریخی، شیراز.

مقدمه

امروزه فرآیند احیای بافت‌های تاریخی شهرهای دارای قدمت کشور، بیشتر براساس نگرش‌های کالبدی و زیباشناسانه است. این موضوع باعث کم‌رنگ شدن و نادیده گرفته شدن سرزندگی و تحریکات اجتماعی در این فضاها شده است. باتوجه به نیاز ذاتی انسان به زندگی اجتماعی و ضروری بودن آن، داشتن فضاهای جمعی مطلوب هماهنگ با فرهنگ و تاریخ یک بستر امری ضروری است (فلامکی، ۱۳۹۰: ۹۵). کیفیت نازل بسیاری از محیط‌های شهری معاصر و فقدان توجه به کیفیت کلی، حاصل عمل فرآیندهایی که محیط را به وجود آورده‌اند و نیروهایی است که در این فرآیندها عمل می‌کنند. تأثیر و مسئولیت-درست یا غلط- متوجه صنعت ساختمان است. نویسندگان DERT دانش‌نامه طراحی شهری شرکت مسکن (Liewelyn-Davis, ۲۰۰۰) عنوان می‌کنند که فرآیند توسعه و بازیگران آن در نظامی گرفتارند که باعث ساخت‌وساز می‌شود اما «مکان» خلق نمی‌کند و مقید به خصوصیات به‌طور عمده محافظه‌کارانه، کوتاه‌مدت و ناشی از عرضه‌گرایی صنعت ساختمان است. انحطاط محیطی ضمناً ناشی از تأثیرات انباشتی تصمیمات تبعیض‌آمیز طراحان شهری «ناوارد» است. به عبارت دیگر «بافت‌های کهن شهر مکانی خلاق و زنده برای درک موقعیت انسان در جهان و پیوند او با گذشته‌اند، مکانی برای دگرگونی محیط و تغییر نگاه به زندگی حال و آینده» (اعتصام و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۰). بنابراین می‌توان در روند احیای بافت‌های تاریخی باتوجه به فضاهای اجتماع‌پذیر شهری به عنوان بستر برقراری روابط و تعاملات اجتماعی از رویکردهای صرفاً کالبدی فاصله گرفت و نیاز ذاتی انسان را برای داشتن روابط اجتماعی برآورده ساخت (محسنی و زمانی فرد، ۱۳۹۸: ۷۲). بی‌میلی افراد به معاشرت و همبازی‌های اجتماعی و ناهنجاری‌های رفتاری و بی‌تفاوتی به عرصه‌های جمعی و عوارض ناشی از زندگی پرسرعت و مهاجرت‌های پی‌درپی و عدم ثبات سکونت در مکان‌های مشخص از سویی و فقدان فضاها و مکان‌های جمعی مناسب از دیگر سو، نیاز به طراحی و ایجاد آن‌ها را تشدید می‌کند (گل، ۱۳۸۹: ۹).

مراکز اجتماعی یا جمعی، فضاهایی هستند که روزانه پذیرای قشر و گروه وسیعی از شهروندان از کودک تا پیر، زن و مرد و با هر دین و نژادی هستند؛ بنابراین مراکز اجتماعی از پتانسیل کافی جهت تقویت انسجام اجتماعی، توسعه اقتصادی و ارتقای کیفیت زندگی جمعی برخوردار می‌باشند (حاج محمدلو و قدوسی فر، ۱۳۹۶: ۱۲). تحقق مسائل مذکور، لزوم توجه به نوع طراحی و کیفیت بصری فضاهای اجتماعی را می‌طلبد تا این فضاها قادر باشند تا حد چشم‌گیری از محرک‌های محیطی کاسته و سبب افزایش سرزندگی و نشاط در جامعه شوند. مدیریت صحیح مراکز اجتماعی می‌تواند به نمودار غیررسمی سبب افزایش دانش جمعی و مهارت‌های فردی و اجتماعی ساکنان شهرها شود؛ این امر در سایه مشارکت مردم در امور اقتصادی، سیاسی و مدیریتی شهر و نیز افزایش سطح تعاملات اجتماعی آن‌ها محقق می‌گردد (اھری سلماسی و خسرونی، ۱۳۹۷: ۱۱۵۴). البته نباید نقش عناصر فیزیکی محیطی را مانند نمادها و نشانه‌ها را در افزایش آگاهی و درک بصری شهروندان نادیده گرفت. بر این اساس، باید به مراکز اجتماعی به عنوان بستری برای تشویق شهروندان به امر مشارکت و پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی و نیز آموزشگاهی برای انتقال دانش و آگاهی‌های لازم برای بهبود کیفیت زندگی شهروندان نگرست.

فضاهای شهری به دلیل جوانب فیزیکی و کالبدی خود، نوعی فضای نمادین، ادراکی، مادی و حقیقی است که با شهر و کالبد شهر پیوندی عمیق دارد. بنابراین یک فضای شهری، فضایی است که عنصری هویت بخش از یک شهر تلقی

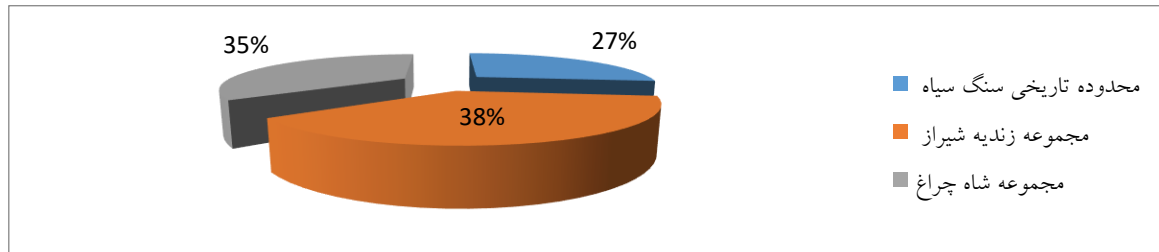
می‌شود؛ به‌طوری‌که اغلب شهرهای بزرگ را می‌توان به‌واسطه فضاهای شهری آن بازشناخت. شهروندان علاقه‌مند به شرکت در نمایش‌های اتفاق افتاده در بستر شهر هستند. نمایش‌هایی که در یک لحظه هم بازیگر آن باشد، هم تماشاچی، بنابراین هرچه رویدادها و وقایع در شهر قوی‌تر باشد، شهر جذاب‌تر می‌شود و فضاهای جمعی به‌عنوان بستر این رویدادها و وقایع در شهر بوده و به شهر هویت و زندگی و شاکله می‌بخشد. به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان، بالاترین مرحله بلوغ فرهنگی، اجتماعی شهروندان یک شهر در فضاهای شهری به‌وقوع می‌پیوندد؛ همان‌جایی که علاوه بر فرم و کالبد دارای مفهومی وسیع‌تر به‌عنوان محتواس (گل، ۱۳۸۷: ۳۲). بنابراین، فضاهای جمعی به‌عنوان بطن حیات اجتماعی و شهری امروزی مطرح بوده و دارای ابعاد مختلفی می‌باشند، اما به‌نظر می‌رسد در کشور ما به‌جز معدود مواردی در حیطه طراحی شهری، همچنان به تعاریف نظری موضوع پرداخته و کم‌تر به مردم، فعالیت‌های آنان و فضاهای ویژه آنان توجه شده است؛ در‌صورتی‌که امروزه در شهرهایی که عرصه‌ای برای زندگی جمعی پیش‌بینی نمی‌شود، حیات شهری نیز در آن جریان ندارد. بدین ترتیب شهر بدون فضای جمعی را می‌توان شهر بی‌توجه به حضور شهروند ارزیابی نمود.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است لذا نوشتار حاضر که به روش توصیفی و تحلیلی انجام شده به بررسی این مسئله پرداخته است. این پژوهش درصدد آن است که به بررسی تأثیر فضاهای اجتماع‌پذیر در بافت تاریخی شهر (شیراز) با هدف آشنایی و آشتی‌دادن مردم با تاریخ این شهر بر شکل‌گیری فرهنگ اجتماعی در جامعه توسط احیای رابطه متقابل انسان و فضای شهری با تأکید بر احیای حس غنای مکان بپردازد. طراحی محیطی چندعملکردی برای حضور و زندگی دوباره بخشیدن به بافت‌های تاریخی که امکان پیوند مردم با ریشه‌های تاریخی، سنت و فرهنگ ایشان را ضمن آمیختن آن با نیازهای امروز پدید آورد. ایجاد پلی برای پیوند نگاه امروز مردم به گذشته‌ای که سال‌هاست مورد بی‌توجهی قرار گرفته نیز از مسائلی است که نیز در این پژوهش به آن پرداخته خواهد شد.

نتیجه‌گیری

حضور جمعی در مکانی ویژه، تجربه‌ای است که شهروندان شهرهای امروزی به داشتنش حسرت می‌خورند. شهروندان در جای‌جای شهرشان به‌دنبال فضاهایی هستند که با نیازها و اولویتشان منطبق باشد، احساساتشان را برانگیزد، دیدار هم‌نوعان و دوستان را برایشان میسر سازد و به تعالی روحی آن‌ها کمک کند، و در فضایی علاوه بر کسب آرامش روحی در ارتقای سطح و آموخته‌های فرهنگی‌اش قدم بردارد؛ چراکه گریز از تنش‌های روزمره زندگی و زنده شدن دیدارها تنها در یک بستر اجتماعی امکان‌پذیر است. آنچه که از موارد به‌دست آمده و همچنین مطالعات پیشین کسب می‌گردد آن است که؛ تمامی موارد یاد شده و حائز اهمیت از منظر مخاطبان و آنچه که به‌عنوان اجتماع‌پذیری فضاهای جمعی به‌عنوان رویکرد مورد تحلیل بیان شده از هم‌خوانی بالایی برخوردار است و می‌توان از این حیث نیز چنین نتیجه گرفت که بسیاری از موارد یاد شده و تاثیر گذار در اجتماع‌پذیری، بخشی از خواسته مخاطب در مراکزی چون فضاهای اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. طی مطالعاتی که صورت گرفت می‌توان به نتایجی از این دست نیز اشاره کرد. مجموعه زندیه شیراز با وجود خدمات و تسهیلات و جذابیت‌هایی که دارد به‌عنوان فضایی موفق عمل کرده و از

اجتماع‌پذیری بالایی نیز برخوردار است. باید توجه داشت که استفاده مردم از فضاهای تاریخی محلیشان به دلیل جذابیت این فضاها مشخصاً می‌باشد. چون کارکرد فضاهای مطرح‌شده شهری می‌باشد و محلی نیست.



پیرو، موارد حائز اهمیت از نظر برآیند نتایج پرسش‌نامه و مطالعات انجام گرفته به شرح موارد ذیل می‌باشد:

باتوجه به تقسیم‌بندی معیارها در چهار بُعد کالبدی، اجتماعی، ادراکی (معنایی) و فعالیتی:

۱. بیشترین بخش حائز اهمیت، فعالیت‌ها و اتفاقات انجام شده در محیط می‌باشد که در "بُعد اجتماعی" جای گرفته است شامل تعاملات خود سازمان‌یافته چون برگزاری مراسم‌ها متناسب با مناسبات و رویدادهای فرهنگی و اجتماعی و مذهبی، تعاملات اجتماعی تصادفی جهت افزایش مشارکت‌های عمومی و دسترسی تمامی اقشار از گروه‌های سنی و جنسی مختلف و علی‌الخصوص حضور قشر فرهیخته جامعه در فضا بدلیل بهره‌گیری از تجارب و نظرات خبرگی این اشخاص، آسایش روانی مخاطبان از حیث وسعت دید، هم‌آوایی با طبیعت و دوری از آلودگی‌های صوتی و آب‌وهوایی و تأمین امنیت و سلامت روانی فضا.
۲. بخش حائز اهمیت بعدی، معنا و حس مکان دریافتی در محیط می‌باشد که در "بُعد ادراکی" جای گرفته است شامل حس مکان، آسایش روانی (هم‌آوایی با طبیعت)، آسایش روانی (کاهش آلودگی صوتی و...)، لزوم حضور قشر فرهیخته، حضور تمامی اقشار و وجود معنا و مفهوم در برنامه‌ها.
۳. در رتبه سوم "بُعد فعالیتی" شامل افزایش فضاهایی جهت انجام گفت‌وگوهای صمیمانه و دوستانه و نیز سایر فعالیت‌های جنبی چون رستوران، کافه‌ها و فروشگاه‌های فرهنگی و صنایع‌دستی و ...

در رتبه بعدی "بُعد کالبدی" مواردی چون دسترسی‌های مجموعه (قرارگیری در بافت شهری، دسترسی به فضای تاریخی شهر و حمل‌ونقل عمومی)، راحتی فیزیکی و تأمین حفاظت از منظر مباحث اقلیمی و ایمنی فضا، تأمین تسهیلات و امکانات کافی، لحاظ کردن مباحث زیبایی‌شناسی، شفافیت فضا، رمزگرایی و ابهام‌های قابل‌کشف در فضا، ایجاد فضاهای نمادین، وحدت و نظم و یکپارچگی در فضا و انطباق با فرهنگ و آداب‌ورسوم در طراحی فضا و همچنین وجود فعالیت‌ها و کاربری‌های متنوع که سبب استفاده افراد مختلف با سلايق متفاوت در فضا می‌شود.

فهرست منابع و مآخذ

کتاب‌ها

- اسلامی، غلامرضا و کامل‌نیا، حامد. (۱۳۹۳). معماری جمعی، از نظریه تا عمل، تهران: دانشگاه تهران.
- چرمانف، سرج و الکساندر، کریستوفر. (۱۳۹۴). عرصه‌های زندگی خصوصی و زندگی جمعی به جانب یک معماری انسانی، مترجم: منوچهر مزینی، تهران: دانشگاه تهران.
- چینگ، فرانسیس دی. کی. (۱۳۶۸). معمار؛ فرم، فضا و نظم، ترجمه: زهره قراگوزلو، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
- حناچی، پیروز و پورسراجیان، محمود. (۱۳۹۱). احیای بافت شهری تاریخی (با رویکرد مشارکت)، تهران: دانشگاه تهران.
- راپاپورت، آموس. (۱۳۸۴). معنی محیط ساخته شده: رویکردی در ارتباط غیرکلامی، ترجمه: فرح حبیب، تهران: انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- شکویی، حسین. (۱۳۸۳). اکولوژی اجتماعی شهرها، جلد ۲، تبریز: مؤسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی.
- شولتز، کریستیان نوربرگ. (۱۳۸۴). معماری، حضور، زبان و مکان. مترجم: علیرضا احمدیان. تهران: نیلوفر.
- صدیق سروستانی، علی‌اکبر. (۱۳۸۱). جزوه جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: مرکز آموزش جهاد دانشگاهی.
- فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۹۰). باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- کارمونا، متیو. (۱۳۹۰). مکان‌های عمومی، فضاهای شهری، ابعاد گوناگون طراحی شهری. مترجم: زهرا اهری و دیگران. تهران: دانشگاه هنر تهران.
- کارمونا، متیو؛ هیت، تیم؛ اک، تنر و تیسدل، استیون. (۱۳۹۴). مکان‌های عمومی، فضاهای شهری، ابعاد گوناگون شهری، مترجم: فریبا قرائی، زهرا اهری، مهشید شکوهی و اسماعیل صالحی، تهران: انتشارات دانشگاه هنر.
- گل، یان. (۱۳۸۹). فضاهای عمومی و زندگی جمعی، مترجم: علی غفاری و صادق سهیلی‌پور، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- گل، یان. (۱۳۹۶). زندگی میان ساختمان‌ها: کاربرد فضای جمعی، مترجم: علی اکبری، فرشته کرمان و نسترن محرابی، تهران: انتشارات پرهام نقش.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی، (منوچهر صبوری)، تهران: تهران.
- لنگ، جان. (۱۳۸۳). آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، مترجم: علیرضا عینی‌فر، تهران: دانشگاه تهران.
- لنگ، جان. (۱۳۹۴). آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط). مترجم: دکتر علیرضا عینی‌فر، تهران: دانشگاه تهران.

مدنی پور، علی. (۱۳۸۷). فضاهای عمومی و خصوصی شهر. ت: فرشاد نوریان. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

وب سایت رسمی شهرداری منطقه ۸ شیراز، ۱۳۹۹.

هال، ادوارد تی هال. (۱۳۸۷). بعد پنهان. مترجم: منوچهر طبیبیان. تهران: دانشگاه تهران.

مقالات

احمدی، علی. (۱۳۹۳). "بررسی وضعیت سرزندگی بافت‌های هدف برنامه‌های بازآفرینی شهری و ارائه راهکارهای ارتقاء آن"، نشریه هفت شهر، ۴۷ و ۴۸، ۸۵-۹۶.

اهری سلماسی، روشنک و خسرونی، مرتضی. (۱۳۹۷). "بازآفرینی فضاهای شهری اجتماع‌پذیر با رویکرد الگوی طراحی مکان سوم (مطالعه‌ی موردی: خیابان امام شهر ارومیه)"، اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین معماری و شهرسازی در هزاره سوم، تهران.

اعتصام، ایرج بلیان اصل، لیلا؛ اعتصام، ایرج و اسلامی، سیدغلامرضا. (۱۳۹۰). "نقش فضای بینابین در هویت‌بخشی به گستره فضایی بافت‌های تاریخی ایران"، هویت شهر، ۵(۸)، ۵۹-۷۱.

پورجعفر، محمدرضا و همکاران. (۱۳۹۰). "پدیدارشناسی هویت و مکان در بافت‌های تاریخی"، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱(۳)، ۱۱-۲۰.

حاج محمدلو، فاطمه و قدوسی‌فر، هادی. (۱۳۹۶). "بازشناخت مفهوم اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی"، چهارمین کنفرانس بین‌المللی معماری و شهرسازی پایدار.

منصوری، تاج‌الدین و جهان‌بخش، حیدر. (۱۳۹۵). "سنجش مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقای تعاملات اجتماعی و اجتماع‌پذیری در فضاهای شهری"، انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، ۷(۱)، ۵۹-۶۵.

محمدی، محمد و آیت‌اللهی، محمدحسین. (۱۳۹۴). "عوامل مؤثر در ارتقای اجتماع‌پذیری بناهای فرهنگی بررسی موردی: فرهنگسرای فرشچیان اصفهان"، نشریه نامه معماری و شهرسازی، ۱۵، ۳۷-۴۲.

نقره‌کار، عبالحمید؛ حمزه‌نژاد، مهدی؛ باقری، حسین. (۱۳۹۳). "اجتماع‌پذیری در حیاط خانه ایرانی (شناخت ویژگی‌های تقویت‌کننده حضور در حیاط، از طریق تحلیل سکانس‌های سینمایی)"، معماری و شهرسازی ایران، ۵(۷)، ۵۸-۶۶.

Books

Altman, I. (۱۹۷۵). The Environment and Social Behavior: Privacy, Personal Space, Territory, Crowding. California: Brooks/Cole

Barker, R. G. (۱۹۶۸). Ecological Psychology: Concepts and Methods for Studying the Environment of Human Behavior, Stanford, CA: Stanford University Press.

Hall, Edward T. (۱۹۹۰). The Hidden Dimension. N.Y: Doubleday

Hofstede, G. (۱۹۸۰). Cultures consequences, California: Sage.

Jenks, M and Colin, J. (۲۰۱۰). Dimensions of the Sustainable City. London: Springer

Mintzberg, H. (۱۹۷۶). Planning on the Left side and Managing on the Right. Harvard Business Review. July-Aug. ۷۶

Scheiwiller, Staci G. (۲۰۱۴). Performing the Iranian State: Visual Culture and Representations of Iranian Identity. London: Anthem Press.

Tybaldz, F. (۲۰۰۸). Urban-oriented citizens. Translated to Persian by Ahmadinejad, M. Isfahan: Khak.

Van Raaij, W. F. (۲۰۱۴). Shopping Center Evaluation and Patronage in the City of Rotterdam. Economic Psychology. Rotterdam: Erasmus.

Whyte, W. (۱۹۸۰). Social life of small urban space. Conservation. Project for Public Spaces, US nonprofit organization for creating and sustaining public places. www.pps.org.

Papers

Michael Y MAK, and Clinton J PEACOCK. (۲۰۱۱). "Social Sustainability: A Comparison of Case Studies in UK, USA and Australia", ۱۷th Pacific Rim Real Estate Society Conference, Gold Coast.

Lorraine Rossignol. (۲۰۱۴). "En Iran, on a soif de culture sous la censure", Le monde, ۲۲ June ۲۰۰۷. Consulté le ۱۶ December.

Lynch, K. (۱۹۷۲). "The openness of open space. Art of environment", Aidan Ellis.